

حالت جمع رعایای این دولت جاوید است از بهر آنکه باشد همواره منظور نظر همایون سرکار علیحضرت پادشاه است
 لهذا بملاحظه استسوی حال طایفه کبر و محوس ساکنین در آنها را به سیول محمد الدوله که بحسن سلوک و مردمداری
 موصوفت مرحمت فرمودند که مراقب احوال آنها بوده نگذارد از کسی تعدی بآنها وارد آید (چون سزایان
 تحویل در وجه صرف حبیب مبارک از عمده خدمات محوله بخود خوب برآمده بود و مرضی طبع مبارک کردید
 لهذا سوازی یکقبضه قدمه دست مرصع در حق او مرحمت شد) امیرزاده سلطان حمید میرزا پسر نصره الدوله
 و محمد حسن خان سر قپ فرامانی و کاشکان شاهزاده نصره الدوله در ایام تشریف فرمائی موکب همایون در صحن
 عراق خوب از عمده خدمتگاری برآمده بودند لهذا سلطان حمید میرزا البصیب سرسکی خارج از فوج سرافرا
 فرمودند فرمان همایون و کیشوب جبهه ترمه حاشیه در خلعت مرحمت کردید و در حق سایرین از قرار تفصیل خلعت
 و منصب مرحمت کرده از منزل ارزان فو که آخر خاک غایر است مرخصی حاصل نموده معاودت نمودند

محمد حسن خان سر قپ	میرزا اسد الله	میرزا تقی سر شیدا	محمد خان نایب الحکومه	آقا رحمان نایب گزار
شمس اراق گلای	بشار جبهه کرمانی	جبهه کرمانی	طارق تویسرکان	شال کرمانی
سرمه قیضه	توب	توب	جبهه کرمانی	طه

و از غایر بازان فو علی شاهزاده اقصام الدوله تشریف فرما شده چون سیاق بسیار خوش آب و هوای بود
 مطبوع طبع خسروی گشته دو شب در آنجا توقف فرموده و در شب تشریف فرمای شورین کفر سخی شهر همدان کردید
 دارا اختلاف طهران اگر چه در زمستان گذشته و فور برف و کثرت بارندگی در دارا اختلاف العلیه زیاده
 از آن بود که نیامدن باران در فصل بهار باعث خش و اضطراب شود اما از آنجا که باران بهار موجب کنوع
 برکت و منفعت دیگر است تا این روز که ثلث اخر ماه رمضان المبارک است در دارا اختلاف و نواحی باران
 کافی وافی نیساده بود زار عین و دماقین رانی بکله کلالی حاصل بود تا شب پست و ششم این ماه و روز آن که چهل و یکم
 نوروز است آنروز و آنشب از بجز نامستانهای رحمت الهی که پوسته شامل احوال است باران و افری آمد
 زار عین و دماقین را مزید امیداری ب حصول منفعت و مزید وسعت در امر زرعیت بهر سید سایر مالی در این
 اطمینان کامل بوفور نعمت و ارزانی حاصل گردیده عموم خلایق در عین آسایش بیکرگزاری حضرت باری و
 گوئی عسر دولت سرکار علیحضرت اقدس همایون ششباری در رسیدگی امورات نوکری کاسبی در غیث خود
 و شتغال دارند و بقراری که از سایر ولایات نیز اخبار رسیده در روزنامهها بنویسند بجز اشتهال در
 ولایات مالک محروسه بارندگی وافر گردیده و زراعت باغات همه جا در عین حضرت و نصرت و ساد
 باشد و قاطبه مالی مالک محروسه از هر یک در شکر و دعا کوسی دولت ابد با شکر سپید
 در روز عید فطر شاهزاده نصره الدوله در مالار بزرگ عمارت باغ جنب دیوانخانه بزرگ دولتی که سابقا

منزل سپسالار بود مجلس عید فراهم آورده و چند اطاق مفروش کرده شیرینی و شربت در نهایت صفا
 و هیئت نمودند بعد از آن شاهزادگان عظام و امیرزادگان اعیان و بزرگان از ارباب قلم و غیره و صاحب
 منصبان نظام با اتفاق ناصر الملک یکی در مجلس مزبور مجتمع گشته شاهزاده بایگان بجان آنها کمال مهربانی نمود
 تهیت و مبارکباد سلامت وجود و حضرت قدرت قتل الهی غلظت و سلطان کفند و بعد از صرف
 شیرینی و شربت شهباز خان قوریس اول باشی را بجهت ترقیب سلام معین نموده خود از مجلس رجاسته بخدمت سرکار
 شاهزاده والا تبار نایب السلطنه اعلیّه دام بقائه و جلاله مشرف شده و بعد از آن اتفاقاً سلام در خلوت کربخا
 و بنامی شلیک توبت سایر لوازم عیب سرکار شاهزاده فخر نایب السلطنه پیرون آمده شاهزاده نصره الدوله
 و حاجی سلیمان خان قاجار پیشکار در خدمت معزی الیه وارد اطاق خلوت کربخانی شده شاهزاده اکرم نایب السلطنه
 بر بالای صندلی نشسته چهار نفر از عوای بزرگ محترم را هم بدین موجب اذن جلوس دادند و نصره الدوله در

حاجی محمد ولی میرزا محمد تقی میرزا محمد رضا میرزا شجاع السلطنه

در پیروی صندلی در کمال ادب ایستاده فریاد سرکار نایب السلطنه را در تبریک عید مجوم و در شوق
 القا نمودند و بعد از اهل سلام را مخلص فرمودند پس از سلام یکی آنها بمنزل شاهزاده نصره الدوله معاد
 نموده در آنجا بنا را صرف کرده بمنزل خود معاودت نمودند که مشغول دید و بازدید و ستاره خود شوند
 روز نهم و ششم شرم رمضان المبارک سپسالار نقل مکان بلا زار نموده و روز نهم از آنجا با تراز
 حسن رفته در روز عید فطر با کمال نظم و قاعده از آنجا حرکت نمودند و ناصر الملک بکلمت شایسته بصل آورده بهر
 مراجعت کرده است و مشارالیه هر روز در اطاق نظام متوجه امورات نظام و تجارتنی است که در کمال نظام را داده
 توپچیان و سبازان متوقف در آنجا و الباهره که در ایام ماه مبارک از مش معاف و در روز در شنبه
 اینکام بعد بر حسب قدغن ناصر الملک در میدان حاضر گشته و میبند و هر روز مشغول مشق هستند عصر روز جمعه
 دوم که ناصر الملک از کارخانه کاغذ سازی مراجعت نمودند بایشان اعلام داشتند که چند نفر از توپچیان
 در پیرون دروازه شمران شرب نموده هرزگی میس نمایند مشارالیه خود رفته آنها را گرفته بقراد لجان سپرده
 بودند و روز دیگر در اطاق نظام آنها را تنبیه نظامی نموده حسب الحکم شاهزاده نصره الدوله بباران چشم محبوس

اخبار دول خارجه

در روزنامه نوبورق نوشته اند در جهت جنوبی قطب شمالی امریقا در کنار دریای کسپیا اکثر جزایر انطیل تحت
 تصرف دولت انگلیس است باقی آن جزایر را چند دولتی متصرف هستند و بزرگترین همه این جزایر که غایت
 هفت و هشت هزار دنفوش هم بیشتر است جزیره قوبا است که در تحت تصرف دولت اسپانیا است

حکومت مجتهد امریای خلی و وقت که بدست آوردن آن جزیره را منظور دارند و با بحال آنچه از آن جمهوری
 برآمده است نهایت اهتمام و غیرت نموده اند و شواسته اند که متصرف بشوند و از جانب دولت آسترلیز
 در نگاه داشتن و محافظت نمودن آن جزیره انگشتی بحری و قشون بری فرستادن کو تاهی نموده اند و در امر استحکام
 آنجا قور و قوروی نگذارده اند این اوقات از جانب جمهوری امریای بکفر خریداری آن جزیره افتاده اند
 و مبالغ کلی که گویا متجاوز از پنجاه کرر پول ایران باشد پول داده و تکلیف پیع نموده اند دولت اسپانیا قبول
 نموده است و علی الظاهر چون معامله بعبیت صورت گرفت این اوقات در فکر معامله صحرایی هستند
 و لیعهد حضرت پادشاه دولت انگلستان چندی قبل برو ما غزیت کرده بود و الان در آنجا اقامت دارد
 از جانب دولت سار دنیا بجه مغزی لیس کقطعه نشان افتخار که تعمیر توکتیانه بینا و مخصوص تفرات است
 و عبارت از دوازده پارچه است اما او مصحوب کینفراز و کلای آند دولت فرستاده اند
 بقراریکه در روزنامه پرس نوشته اند اگر چه چند وقت است که در روزنامه های فرنگستان از کیفیت جنگ و صلح
 ما بین دولتین آسترلی و سار دنیا میویسند از صلح مایوسی است شد کن این اوقات نظر بعضی ملاحظات
 یقین قطع در گذشتن امر دولتین با مصاحبه نموده اند حتی اینکه انکار قطعی و کلای فرانس در طرف صلح
 با تصریح نوشته اند (بقراریکه در جریده اخبار نوشته اند از تبعه دولت عثمانیه حاجی عثمان
 او علی نام بکشتی که سوار شده بوده است در بحر سیاه بلاطم شدید و چارگشته از خلاصی قطع امید کرده
 شروع بنوحه و زاری و گریه باحوال خود کرده بودند در این بین از غار نام واپورا و اپورا ای قومپسایتیه
 مسائری اسپرئال با بنجار سیده برفوع بوده است این کشتی حاجی عثمان او بیغی از غرق گشتن خلاص
 داده و قیمت ذغالی از آنها گرفته با سلامبول آورده است اینگونه غیرت و حمیت و مهارت بحریه موسیو
 خورتایه که در اسپنراه دیده شده است که کشتی بی باد بازا با منظور سلامت بساحل نجابت رسانا
 و بحال انسانیت را بعمل آورد لهذا از جانب حضرت سلطان کقطعه نشان که

۲۸۹۴

یکطرفش بطغرای سلطانی معنون و در یک طرف دیگرش این
 فرد را نوشته بودند اعطا و عنایت گشته است

اولی مدحت و تحسین پادشاه باد
 خلفه دوشد که ابد نرا مداد

روزنامه و قیام اثنا عشری شرح نهمین شماره سوال المکرر بمطابق سوال اول



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

ارژومنی بیون

در این اوقات بواسطه اخبار متوالیه بادیای دولت علیه معلوم گشت و تحقیق پوست که ترکان
 ساکسین استر اباد و کرکان آن نواحی عایای این دولت علیه که برای تجارت نغذ و نمک و غیره از
 دریای مازندران عبور کرده بنا در مازندران و حسنل میوز بعد از آنکه خرید و فروش خود را تمام کرد
 در کار معاودت مستدما اکن اسوال مردم و بلکه در جانی دور دست هنگام فرصت آدم میرا
 گرفته از راههای غیر معروف داخل دریا شد و میر و ند چون نظم بنا در فرضات و حفظ مردم
 از اسیری و خسارت کشی بر عهده دولت لازم بود لهذا بادیای دولت علیه قرار دادند که محل
 عبور و مرور ترکان بفرضات و بنا در استر اباد و مازندران منحصر بدهند باشد کی دهنه بندر
 شد سدی دهنه فرج ابادت این که ترکانان مزبور شوانند هنگام پیرون فتن از خشکی بدریا امیر
 خود ببرد و احکام نموده مستحقین و سرحداران کناره دریا صادر شد که هر کس از غیر این دوراه
 خواست باشد داخل و یا خارج شود او را ممنوع دارند تا بواسطه این نظم بنام تجارت و آمدن
 ترکانان کاسب و هم ایتت انالی ولایت هر دو رواج در رونق داشته باشد (از آنجا که باقصای قاصت
 حاصله فیما بین ولتین ایران و روسی کاران حضرت عیسی بن شبل اقیازات و کنوع اختصاص نایل میوز در کار حضرت امیر
 دولت و کس قطع نشان سنت است از درجه دوم میوز از تهر نیس و قرقان وزارت امور خارجه دولت علیه اعطا
 کرده بودند امیروز و در موبت تا برون تسلیم بشمارا شده است

۲۸۹۵

ک (ای)

در همین کفایتشان بدال طلبا بسند آنها نیز از آن دولت بیه با سبیل یک رئیس فراتان وزارت خارج
مرحمت شده است (سیرزات محمد علی قشی مهام خارجه که در ایام توقف کیان بصداقت خدمت کرده و با
دولت علیه را از نظر خدمتگذاری خود راضی ساخته بود این وزیر با بخشی کرمی مهام خارجه فامس با امور
و یکصد تومان بر مواجب سابق او افزوده شد و در بوک طایر اذن مرخصی حاصل کرده روانه محل ناموریت

ولایات محروسه

آذربایجان شب سیزده از قراریک در روزنامه منطبقه دار السلطنه تبریز نوشته اند شاهزاده معزالدوله
در این اوقات بعزم تفریح بجهت حکم آباد که تفریحگاه دار السلطنه تبریز است رفقه بجهت مزید صفای آن مزایع و حصول
منفعتی عظمه بجهت صاحبان آنجا حکم نموده اند که با این درختهای بادام در کنار مرزهای سبز بکار کل سرخ و کل زرد
در حبس مزایع حکم آبا و بکارند و قریب پنجاه هزار بوته کل در پانزده روز کاشته شده است و خیلی بر صفای آنجا
افزوده است (چون حبس الاموال اقدس الاعلی مقرر شده بود که بلا حفظ اشطام سرحدات دولتین
ذی شوکتین ایران و روس از ابتدای آنها خط سرحد بقدر ضرورت قرائننا ساخته شده سواره و پیاده بر آن
تراولی معین و برقرار گردند که اشعار و قطع الطرق طرفین توانست مصدر سرفتن بی نظمی گردند لکن کارگران
آذربایجان سه سرحد دار معین گردند و حنفلی یکسایا تا جوار برای سرداری قراجه داغ و میر عبد الله خان
طالش برای سرحداری سنا را و هیچ و محسن یک مرزی برای سرحداری مرند و مغلقاتان در
اهتمام آنها حکم داده شده که بقدر کفایت پیاده و سواره جدید گرفته بیاورند و در تبریز سان بسند و بسند
و اموریت خود بر وند و بهر یک نیز عظمه و وجه نقد داده شد که فترا و لغاتهای مزبور را در بنده استنقوی میل تمام
و کمال بسازند که نامهای پیسوج من الوجوه در انتظام امور سرحدیه ملاحظه شود (چهار نفر از ایالات
مزدور لوی شتاقی را که از جمله اشعار و قطع الطرق بودند در این اوقات میراثم خان حاکم شتاقی گرفته
به تبریز فرستاده بوده است بعد از غوررسی کامل حسب الحکم شاهزاده معزالدوله در میدان توپخانه تبریز
خود رسیدند (از حسن اهتمام و مراقبت محمد صادق خان سر جنگ توپخانه متعلین در مرسته نظام با کمال سواد
و دلگرمی هر روز چهار ساعت از طلوع آفتاب گذشته در مدرسه حاضر و تا یک ساعت و نیم بغروب اندوه خود
یاد گرفتن و آموختن هر قسم علوم پاشند و روز شنبه در هم عید سردار کل با بعضی از صاحب منصبان نظام بدر نظام
انده و رسیدگی بدرس و کارهای آنها کرده چون مراتب میل و شوق متعلین مغربی بسبب عالی گردیده ترغیب و
تشویق آنها قرار داده است که برای هر صنفی لباس نظام مخصوصی از ماهوت دوخته شود که در وقت مشت
و سایر اوقات باعث شکر و مایه امیدداری آنها باشد و میرزا مهدی مهندس نیز که از دار کلاهدار

۲۸۹۶

۳

نامور تعلیم درس بنده سینه بود و در مشهور اطلاق جدا گانه اسباب درس افزایم کرده مشغول است
خومی از قرار که در روزنامه آنجا نوشته بودند از غزوه شهر رمضان المبارک بارانهای متوازه تک
آمده بوده است در روز ششم شهر رمضان کیاعت بطرمانده زلزله خفیفه اتفاق افتاده است و
بجده الله تعالی حسدابی و ضرری نرسانده (سال گذشته از قرار گفته شاهزاده محمد رحیم
حاکم خوی و سلماس خیابان دروازه باغ دلکش را درخت بیدکاشته بود و از سال هم قد غنچ نموده اند
و خیابان دروازه ای سه ست دیگر را پیدا کاری نموده اند خیلی بشکوه و صفای آنجا افزوده است
د دیگر نوشته اند که حساب الحکم شاهزاده معزالدوله و سوار کل شاهزاده محمد رحیم میرزا از سواره
جدید خوی ابو اجمعی قلی خان سی نفر سوار در کرده سلماسی دست تفر در کرده استید تاج الدین
و پانزده نفر هم در کردک دست برق بجهت محافظت طرق و شوارع نامور نموده اند که متر دین و تجارت و
توافل بسلاستی اقیقت عبور نمایند (و از قرار که نوشته اند کفر بار و ط کوب در خانه خود
قدری بار و داشته بود غلظه آتش بار و ط افاده و از جمله سخیف حال او و نفر سوخته سه نفر حلاجی
استر اباد از قرار که در روزنامه استر اباد نوشته بودند امورات سرحدیه و غیره آنولایت
از حسن مراقبت و اهتمام جعفر علیخان ایلمانی حاکم استر اباد نهایت نظم و منضبط است و مشارالیه آن
کلاشته که خدایان شهرت نام گرفته است که هر یک در امورات دیوان اعلی محوله بخود مراقبات
کافی عمل آورند و بسجوج احواف نا حساب بر عایا و بر ایا واقع نشود و جمیع مردم بقرع بال و فراغ
حال بدعا کونی دوام دولت پزوال اشتغال دارند (در خصوص سان نوکر و اوایل مامورین
ایلمانی و سایر صاحب منصبان دیوانی بسان چسب نوکر امور و موقت آن ولایت پرداخته اند
و هم در کار پرداختن حساب سه ساله نوکر بوده و هستند و وجه نقدی که از دربارهای یون بجهت موجب
نوکر روانه داشته بودند سرسنگ و با شریا جاد و افراد نوکر رسانیده فرو پا مبر از سلطان اجداد
گرفته اند (چندی قبل اسبی از نوکر شاه کونی دزدیده بود این خبر که میرزا محمد پیشکار آنولایت سیر
فورا کلاشته که خدا و داروغه را خواسته و در روز اسب مزبور را از آنها میخواهد مشارالیه نیز
در صدد پیدا نمودن اسب مزبور برآمده و همان بغاصه دور و ز اسب مزبور را با سارق آن از
اشرف از نذران پیدا و دستگیر نموده بشهر آورده اسب ابصا جشن ساخته موجب مزید امیدوار
و شکرگزاری یکی مردم شده است (در خصوص خالصجات استر اباد بجهت روز بروز در ثریب
آبادی است و رعیت خالصجات بنهایت خشنودی و رغبت بکار رعیت و نق امور رعیتی خود

۲۸۹۷

مشغول هستند و تفرقه که در رعیت آنجا شده بوده است اغلب جمع آوری شده مابقی را نیز سابقین
 دیوانی آدم فرستاد از اطراف درکار جمع آوری میباشند (این روزها در استرآباد خبر
 رسید که چندین سوار ترکمان بوجنود آمده بودند دست اندازی کنندگان حضرت قلیخان ایلمخانی
 آنها را جلو گیر نموده با جمعیت زیاد دعوی شدیدی نموده بقدریکصد نفر از ترکمانها کشته و کتک شدند
 اندازی بوجنود نمایند سرمای ترکمان ایلمخانی نوشت بفرستد که روانه اردوی همایون نماید
 خراسان از فرار که در روزنامه خراسان نوشته بودند از تفصیلات حضرت الهی و میا بخت
 و اقبال بندگان علیحضرت اقدس ظل اللہ علیہ صلوات الله علیه و سلطانه در این اوقات بارانهای نافع و فراوان
 آمده و فور نعمت ارزانی حاصل است عموم مردم شکر گزار و دعا گوئی دولت ابد آثار میباشند
 شاهزاده چشمه الدوله ملکران مملکت خراسان که نامور است سرخس بودند در پنجم شهر رمضان المبارک در خارج
 ارک نقل مکان کرده در هفتم بیک فرسخی شهر منزل و در پانزدهم بیل با قوت پنجه سخی نزول نمودند (و در
 پنجم شهر فروردین ماه خان شجاع الدوله از جوستان بمشهد مقدس آمده پس از ادراک فوز زیارت
 و تسبیل عتبه علیه امام همام علیه آلاف التحية و السلام بملاقات قوام الدوله رفته و با اتفاق عازم در روانه
 اردوی شاهزاده چشمه الدوله شده اند

۲۸۹۸

فارس بقرار که در روزنامه بندر بو شهر نوشته بودند صادق خان که از جانب دریایسکی روانه
 مسقط گردیده بود بعد از ورود او به بخور مسقط و اطلاع گسان امام مسقط از امور تیرت آمدن او حاجی محمد آقا با
 دیگر از رؤسای مسقط باستقبال مشارالیه فرستاده او را با کمال احترام و توقیر وارد مسقط نمودند و بجهت
 ورود مشارالیه یازده تیر توب هم شلیک کرده منزل بسیار خوبی ترتیب داده بودند و روز دیگر با اتفاق
 رؤسای مزبوره بیدین امام مسقط رفته پنجاهات و نوشته که داشته ابلغ نموده و از جانب امام مسقط
 نیز کمال مسرتی و حرمت نسبت بشارالیه بعمل آمده صادق خان خواسته بود که موافق دستور العمل
 دریایسکی زیاده از پنج روز در آنجا توقف نکند اما بحسب تکلیف و خواهش امام مسقط پانزده روز در آنجا
 توقف نموده لازم هماننداری و احترام از او بعمل آورده بودند و او نیز در ایام توقف بمسقط کمال
 خوبی راه رفته بعد از غیبت مراجعت کراس کرده و یکصد جعبه شکر بر کبک و طپا پنجه با انضمام جوی
 دو سینه مصحوب مشارالیه بجهت دریایسکی فرستاده مبلغ یکصد تومان هم نقد بخود مشارالیه تعارف
 داده روانه نموده بودند در پست و چهارم شهر شعبان المعظم وارد بندر بو شهر شده تسلیف
 رسالات و تکلفات نموده است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم خرداد و دوم شوال مطابق سال قوی ۱۳۱۱



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی سیایون

موجب فیروزی گوگب سیایون از روزی که از دارا کلاخه طهران حرکت فرمود تا کنون که تشریف فرمای ساعات بهمان چاشند در جمیع صفحات عرض راه اولیای دولت حسب الامرهایون بحقیقت احوا رعایا و برابا و تفصیل معاملات حکام رسیدگی نمودند و مردم چگونگی حالات را اینجا یک پارک معروض میداشتند امور معاملات داد و ستد دیوانی عراق و محلات و غیره که محل ایالت شاهزاده نصرآلله است کمال انظم را داشت و رعایا و برابا ساگرد دعا گو بودند لهذا محض ازجه افکار و مباحث شاهزاده مغزی ایسه در صدر فرمانهایون دستخط مبارک شرف صدور یافته بود که صورتی از دستخط درین روزنامه بویستند نصرآلله و از اول خاک عراق الی ظاهر که وارد شدیم همه جا مردم احسن سلوک آن عم و مباحثین آن عظم راضی و خوشنود بودند و عرضی بسیار بسیار در الواقع بود بلکه هیچ نبود و نیست حقیقت نیست که ازین معنی کمال خوشحالی رود و احسن سلوک و دلجوایی آنفسم کمال اطمینان بهم رسید صدر یکب اللغات در حق انعم ازود اگر چه حکام مشرق از آن عظم بگیرند چندی نیکتر که یکو جب خه در ایران باقی ماندند جا آباد و دایر میشود اما در عمل ایالت سر بار همان که غوررسی شد معلوم کردید که بواسطه رستم شریکی در آنچه هم عمل ایالت و هم عمل سر بار معشوق و ایالت سر بار از روی تعادل از ولایت یافت نمیشود و چه چکس نمیداند که بدیوان چه باید بدد لهذا حسب الامرهایون اعلی سه دستر نیز بموجب تفصیل ذیل نامور شدند که دانات حاجی لود و عاشق لود حومه شهر امیرزی نایبند و از روی تعادل سه پهر قریه و مزرعه را موافق کنجایش آن

۲۸۹۹

بلوک عاشق میرزا شفیع مستوفی دیوان اعلیٰ دربار
 سابق یزد با تقاضای استیضاح معصومه که بدینیت دارند
 حاج میرزا حسین عباسقلیخان حمزه خان فتحعلیخان
 میرزا آقا میرزا لنگر میرزا از کاسا بر علی رضا خان حسنی خان
 نویسنده
 حاکم خان میرزا رفیع خان حاج میرزا الطاف
 ارد سلطه میرزا صدرا لنگر میرزا ایک
 مردان

بلوک حرم اطراف شهر محمد و لیجان قاجار بسم الله
 محمدی طسمان کاشان که بدینیت از انجا وارد

معین نمایند و تسبیح بالیات از روی متمیزی بدینیت تقسیم کنند و هر دوی از دیوان اعلیٰ سرخط
 داده شود که زیاده از آن ندهند و حاکم هم شواهد زیادتی نماید و سبب بازی هم که میدهند موافق آنچه
 بالیات بدون ستم شرعی بدهند و از آنچه عسوم رعایا و برایشان کرده اند عا کو بشدند
 نظر بحسن خدمات حاجب الدوله که در سفر سر پرده دار در جاهای خوب بر پا کرده بود و کیو شب پنجم از
 جانب سنی الجوانب همایون در حق او مرحمت شد (نظر بانکه مراتب کفایت ساسان میرزا
 پسر شاهزاده بهار الدوله در پیشگاه حضور همایون معلوم گردید و او را پیکر سنی تبریز فرموده منصب
 نیز فرحمت فرمودند و کیو شب جنبه تره کرمانی برسم خلعت عنایت گردیده روانه تبریز شد

۲۹۰۰

سایر ولایات

اصفهان از قرار یک نوشته انداعتماد الدوله حاکم اصفهان در سرپرستی رعایا و گرفتن
 خالصیات و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت دارند و لازمه قدغن در حفظ شرایط امنیت
 بعمل می آورند و در مواعیت نظم جنبه خانه اصفهان و حوت ساختن تفنگ سایر ادوات معلوم
 و ترقی ارباب صنایع همچو ج تفاعل و غیره گذار می نمایند و میرزا حسین مستوفی و سررشته داران
 در خدمات دیوان اعلیٰ جد و جهد دارند و آنچه جمیع اولایت قرین انتظام و انشاق است و
 خلعت مبارک که از جانب سنی الجوانب همایون برای اظهار الثفات با مختار عثمان الدوله مرحمت
 شده بود زین آغوش افتخار رسیده لوازم شکرگزاری بعمل آورده بودند و باعث مزید انجام خدمات
 دیوانی گردیده است و از قرار یک نوشته بود در فوج حومه شیرازی ابوالحسن محمد آقای سرمنگ
 که احضار بکاب مبارک شد در روز پانزدهم شوال وارد اصفهان گردیده اند (و از وی
 اتفاقیه آنکه شخصی مشهدی علی اکبر نام که بعد حسن و تقوی مشهور بوده است شبی در عین صحت بخانه آمد

سه تومان بزدجه خود میدهد که این وجه حلالیت نگه دارشاید فردا برای کفن و دفن من لازم شود آن
زن تغییر میکنند که ترا ناخوشی نیست امشب من همان زمانه دارم چرا از این حرفها وقت مراعی کرد
آن شخص دیگر هیچ نمیکوید و فستردای آنشب بتمام رفته بعد از ادای فریضه بجانه می آید در اطاعتی خلوت
بی ظن و آمار موت رو قبله نموده ندای ارحمی الی ربکم التبیح اجابت میکوید و فوت می شود
قرودین از قراریکه نوشته اند حاجی سخنان پیشکار آنجا در نظم ولایت انجام خدمات دیوانی بحال
است تمام را آورده با مردم بطور ظلمت و دارا رفت رینماید و تمامی انالی انولایت با نهایت سکر
گذاری بدعا کونی هم سر و دولت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکة اشتغال دارند (و سدیکه
در قرو نیست چون خرابی بهر ساند بوده اگر تعمیر نمیشد از آمدن سیل ضررهای کلی بعمارات و شهر میرسد
لذا عکله و بنا گذارده با سعی تمام مشغول ساختن سد چنانست در محافظت شهر و نظم کارهای محلات لازم
قدغن و مراقبت را نموده است و این اوقات بهسبب چه دزدی می نی شود
کرمان از تزاریکه در روزنامه آنجا نوشته اند امور انولایت از فرط کفایت و مراقبت محمد اسمعیل خان
وزیر آنجا در نهایت انضباط و انتظام است و شاهزاده کیر مرث میزرا کرمان آن ولایت در روز بعد
فطر وارد مقر ایالت شده اعیان و اشراف و عموم صاحب منصبان با اتفاق محمد اسمعیل خان شرایط
و تهنیت عمل آورده در کمال عزت و احترام بارک دیوانی وارد شده اند (و یکفر در شیر شول دی
نموده حسب حکم شاهزاده معرفی الیه حد شرعی زده اند) (و چون امیر سعید خان و دباری مرد
با کفایت کار دان و سالها بصداقت و راستی در صفحات مشغول خدمت دیوان بوده است محمد
اسمعیل خان شاهزاده را با علام حسین خان بشرا حضور نموده در خدمت شاهزاده معرفی کرده فرمان
هر لمعان همایون که از دربار سعد لندار مستحار آنها شرف صدور یافته بود با انضمام خلعت آنها داده
نهایت امیدواری و شکرگزاری حاصل کرده اند) (و چون بواسطه کثرت بارندگی باره و برجا
شهر بعضی خرابی پدید آمده بوده محمد اسمعیل خان تعمیر و استحکام آن قدغن اکیده نموده مشغول تعمیر گشته
کرد سخنان از قراریکه نوشته اند امان الله خان و الی بعد از مراجعت از زکاب مستطاب
همایون در نظم ولایت و انتظام امور نوکر و حفظ شرایط سرداری پیش از پیش اهتمام و مراقبت
دارد و امور آن حدود از هر چه مستطاب باشد و اهل الصفحات از جهت نیامدن باران خیلی مضطرب بودند
و اجماع از پست و یکم رمضان تا این اوقات بارانهای نافع بموقع علی الترتیب آمده است و خلایق
آسوده خاطر مشغول شکرگزاری و دعا کونی میباشند

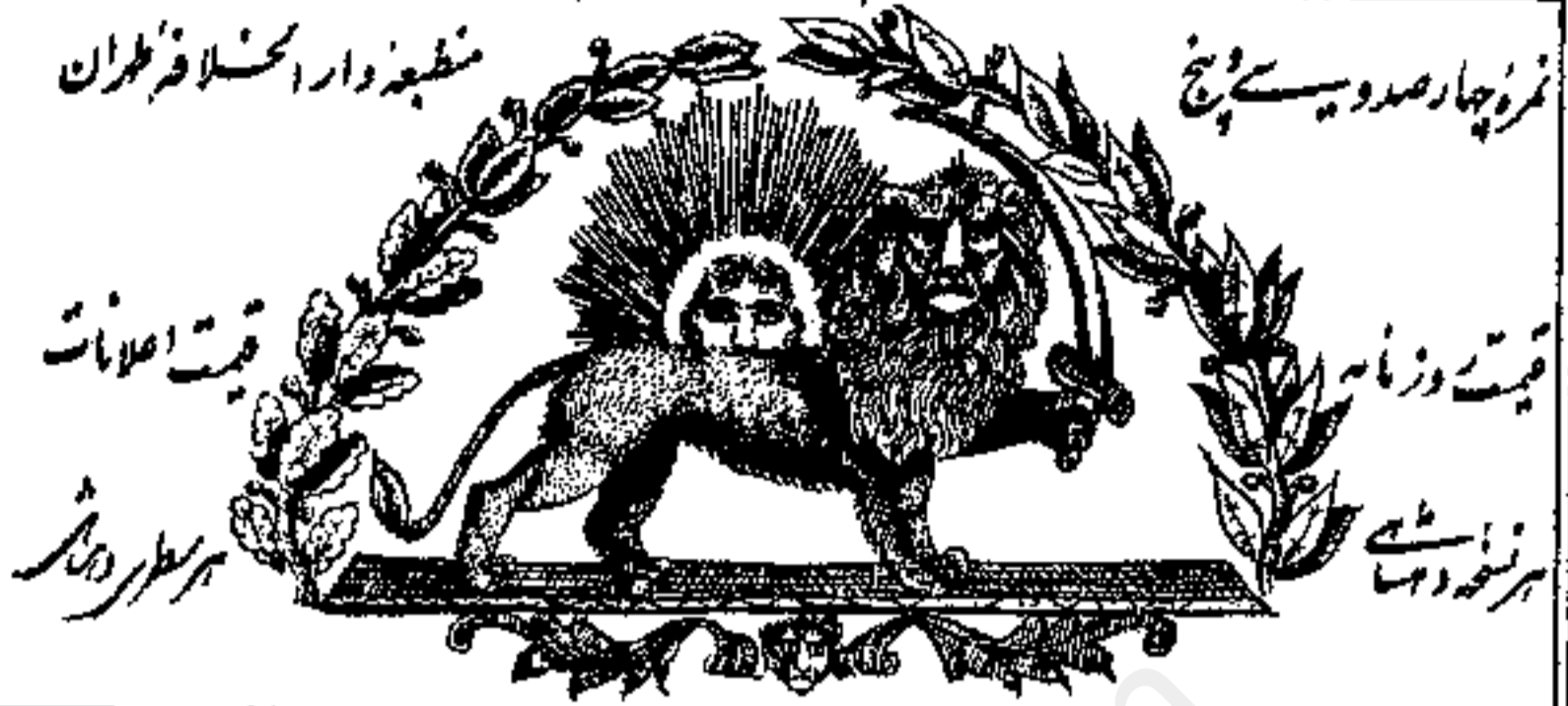
۲۹۰۱

اخبار دول خارج

تقریریکه در روزنامه های فرانکستان نوشته اند اعلان نماید که از جانب دولت آستریه تقبشون اردو و استعظین که از سابق و لاحق در لومبیا و وینیک بودند نوشته و فرستاده اند این مضمون بوده است که مقصود از سفربری در ممالک خود خارج شدن قشونی که در اردو است محافظت و نگه داری وطن اصلی خودشان از فساد و اختلال است دولت سار دینیا که از برای امنیت و جنگ شما و کل توجه صاف با برخاسته در فکرنا امنی کل عالم افتاده است این نیت فاسده و تلخ دولت سار دینیا جز مغلوبیت و بدنامی لذتی نخواهد داشت مثل اینکه حال حرکت نموده اند حرکتی نیز در سنه ۱۸۴۲ عیسوی الی چل و نه نموده و زهر مغلوبیت و هزیمت را چشیدند حال نیز همان طور با را خواهند دید و آن لذتبار را خواهند چشید و در حق مالی سار دینیا خیلی مقالات تحقیرانه و غیره در آن اعلان نامه نوشته اند چون این اعلان نامه مخالف امر صلح و صلاح و مخالفت اصول آسایش کلیه است در نظر مالی او و پادشاهش آیندنگشته است و نیز در روزنامه های فرانکستان نوشته اند که از بعضی حکومتها خیلی کسان با سار دینیا غریت نموده و در آنجا داخل سبک عسکریه شده اند بوجبا خارجی که این روزها رسیده است در روز اول لیسان فریه اینگونه اشخاص کلاً در حوالی عمارت وزیر خارجه دولت سار دینیا جمع گشته و وزیر خارجه مشارالیه از همت و غیرت اینها اظهار ممنونیت نموده و از زیان اینها اشخاصیکه معتبر و صاحب منصب بودند نزد وزیر خارجه رفته و در مجلس نشسته آنچه لازمه احترامات بوده است از جانب وزیر خارجه در حق آنها بعمل آمده است و آنها در کمال ممنونیت از آنجا برخاسته هر کس بجای خودشان رفت اند در روزنامه های نوشته اند که قرار نظامیه دولت روسیه اینست اشخاصیکه داخل سبک عسکریه شده اند بیست سال بلا انفصال باید در خدمت باشند و اینقرار از قوانین شدید آند دولت بعضی اوقات از طرف علمحضرت امپراطوری باینواعانت و حمایت نموده شده است مساعده مخصوصه باینها داده میشود که بدت یکسال و دو سال اینها را مرخص خانه و وطن خودشان بنمایند و در حین اختتام همان وعده بر سر خدمت میشوند این اوقات باز بعضی از مالی قشون از جانب امپراطوری انگونه مرخصی در مدت شش ماه داده شده است که الی شش ماه مرخص خانه مستند در سعه باز باید بر سر خدمت خودشان باشند (در روزنامه های روسیه نوشته اند اراضی مجبور الاحوال که ما بین سب و چین واقع و در تحت حکومت دولت روسیه است و در اینباب قرارنامه ما بین پادشاه چین و امپراطور روسیه مجدداً نوشته شده است از جهت مبادله این قشون نام از جانب دولت روسیه این اوقات سفیر مخصوصی روانه کرده فرستاده اند

۲۹۰۲

روزنامه و قیام اتفاقیه بیخ یوم پنجم شوال مطابق سال قومی ۱۳۱۱



شماره چهارصد و سی و پنج

منطقه دارا بخلاف طهران

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر در هر روز

بر نسخه دوما

اخبار و داخله ممالک و مسه پادشاهی

اردوی سیلون

از قراریکه در پیشگاه حضور همایون معروض شد بعضی از کسان حکام و ولایات و محصلین نامورده اردیوان علی
 هنوز پاره حرکات و اطوار ناشایسته که سابقا در ایران رسم بوده است ترک ننموده اند مشغول ابتدای
 ماموریت حکومت آدمی که برای اخبار از پیش ولایات میفرستند از اهل آن ولایت با اسم مردکانی خواهی
 دریافت بنمایند و همچنین در محل حکومت خود بهر دلی که وارد میشوند یا بجائی مهمان میگردند از صاحب آنقریه
 رسوم سفره و آفتابه لکن و اینگونه تحلیلات بی معنی مطالبه مینمایند و سیوسات میگیرند چون این امور که
 باعث خرابی رعیت و خلاف قرار داد دیوان است زیاد از حد منافی رای معتمدان همایون است بیح
 حکام و نامورین ولایات محروسه اخبار و اعلام میشود که اگر بعد از این در انجمن حضور همایون از ارتکاب
 اینگونه اعمال چیزی معروض شود حکما آن حاکم معزول دمورد مواخذه پادشاهی خواهد بود و آن آدمی هم که مرتکب
 گرفتن رسومات شده است مورد سیاست خواهد شد و باید بعد از این زیاد از حد رسد و داد دیوان اعلی بیح
 اسم و رسم از رعیت و اهل مملکت و ولایات دریافت نشود و از هر رعیتی که اینگونه رسومات مطالبه شود
 تا دون است که مراتب ابرض اولیای دولت برساند چنانکه در این سفر نیست اثر از روز حرکت
 موکب همایون از دارا بخلاف تا کنون که ساعات همان محل اطراق اردوی کیوان شکوه است عیالت
 رکاب مبارک را از قسبل فراتشان و شاطران و سنجیان و یساو لان سایر عیالت از رسومات تیسکه
 پادشاهان سلف را برای طرین رکاب رسم و معمول بود ممنوع فرموده است که سبب از روی بیح اسم هم

۲۹۰۳

از احدی نگرفته اند و حسب الامر همایون هیچ رسومات از قبل رسوم قربانی و فراش حضور و شطرنجی
جمعا موقوف چاشند و از پنجمین زیاده از حد شاکر و دعاگوی دولت ابد تاثر چاشند

دارالخلافه طهران

امورات این ولایت از هرجه و هر بابت کمال انتظام و نظرباطراد اردش براده نصره الدوله درین
وفق مهام و انجام امورات و خدمات دیوان قضا نظام نهایت مراقبت و اهتمام را نموده و میسماینده
روزه یک ساعت از روز برآمده تا سه ساعت از شب گذشته در دیوانخانه عمارت مبارکات و لی نشسته
بکلی و خبری عرایض و مطالب عالی و ادانی بدقت هر چه تا متر رسیدگی می نمایند و ذره خلاف عدالت و حیا
از هیچ مرموباب صورت وقوع نمی یابد هر یک از چاکران و جان نثاران دولت علیه متوقفین دارالخلافه طهران
از اهل نظام و غیر نظام خدمت ایشان رسیده فراخور احوال هر یک مراتب نوازش و مهربانی می نمایند
و از هر کس ایضا خلاف حساب و نظم بطور رسد مورد مواخذه و تنبیه سیاست میشود و علوم الالی و بلا
بانهایت آسایش و آرایش کمال امیدواری مشغول انجام خدمات محوله بخود و امورات کاسی و رعیتی و
دعا کونی ذات اقدس همایون شاهنشاه دین پایه خلد الله ملک و سلطانه میباشند و بعد از ماه مبارک رمضان
بارانهای و افزوده آب رودخانهها و نهرها که همه ساله در این اوقات خشک شده بود از تفضلات الهی یاد
چند روز قبل شاهزاده نصره الدوله بکارخانه ریحان لیلی که در خارج شهر واقع است رفته تا کسب
در مراقبت و مواظبت امورات آنجا با صبر الملک نمودند استادان کار را تشویق نموده بر جسم و لیای
دولت قاهره میدوار ساخته انعام با آنها دادند (و همچنین بقورخانه مبارک که سرکشی و بکار و مشغول
هر یک از اصناف رسیدگی نموده تشویقات بزرگانه بعمل آوردند و هم بکارخانه بلور سازی باز
کرده موجب حصول امیدواری و شوقندی هر یک گردید) (و همچنین بدرسه دارالفنون رفته معلمین و
معلمین را ترغیب و تحریص تحصیل و تحمیل علوم نمودند) (و در باب تعمیرات عمارات مبارکات غلب
روزها سرکشی کرده غوررسی کامل میسمایند و بر حسب سلیقه و استحکام صورت تعمیر یافته می یابند
و در خصوص تعمیر و سنک فرش کوچای شهر اهتمام تمام دارند و محمود خان حسابا قاسی هم مراقب انجام
خدمات محوله بخود است و شروع در ساختن کوچا کرده است و از کوچای ارک مبارک کرده اند
که ان شاء الله تعالی تا تشریف فرمائی موکب همایون دارالخلافه علیه بطور خوب و طرز مرغوب صورت
قرار دادی که در کتابچه مبارک که سمت ترقیم یافته صورت انجام یابد) (نظم چاپار خانها این
اوقات بسیار خوب است از مراقبت حسین خان سرتهپ همه جا اسبهای خوب موجود است و در

۲۹۰۴

اینست که موکب همایون بصفت قلم و محلات عراق شریف داشته نظر بانکمال مکاری کم دست
میداد و عسوم مردم را رجوع به اردوی همایون بود اکثر مردم با اسب چپاری بار دور فرستادند
و خارجه و صاحب منصب و احاد و افراد برای سبک معطلی حاصل نشد

سایر ولایات

ما زنده ران از خوار که در روزنامه آنجا نوشته اند میرزا اسدالله وزیر در لفظم ولایت آبادی
دات نهایت مراقبت و اهتمام را بعمل می آورد و شاهزاده لطف میرزا حاکم آنجا نیز کمال توجه
و محبت و موافقت نسبت بشا را لیه مرعی میداند و اهل ما زنده ران با نهایت امیدواری و آسایش
به اوزم شکر گذاری دعا می دوام هستی ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطان
اشغال دارند (قبل از ناموریت میرزا اسدالله در بار فروش میانه حاجی ملا محمد اشرفی و احاد
ربیع بر سر احکام شریعت گفتگو و نزاعی بوده است الواط و اشرفی فرصت یافته بنای هرزگی و فتنه
و فساد گذارده بودند تجدیدی که بجا نماندند اموال مردم را علانیه میزدند بعد آنکه مراتب مزبور بر شاهزاده
و میرزا اسدالله معلوم میشود قلیل جمعی برداشته بیار فروش میروند و بی آنکه با حدی از رعیت و غیره
ادیت و ضرر برسازند یا آنکه مطالبه سیوسات و رسومات نمایند الواط مشهور آنجا را و سبک نموده
شبه می نمایند و آنهارا کوچا و بجای دیگر مسکنی داده اند و مستهای امنیت حاصل شده باعث
مزید دعا گوئی مردم گردیده است (دیگر آنکه برنج و گوشت و نان در ما زنده ران نهایت تسخیر را داشته
است میرزا اسدالله قرار می داده است که نان و گوشت را ارزان بفرستند و تفاوت کلی در قیمت آنها
بهر سید است در باب برنج که بمحصل حیدر پیک تفکد از نظر بکرانی در محکمت قدغن شده است بجای
نبرد لازمه مراقبت را دارند که بخارج برده نشود) (و از عجایب اتفاقیه آنکه زنی برای آوردن
از دهنی بچکل رفته است طفل دو ساله داشته بدنبال مادر میرود و طوریکه مادرش فهمید بعد از آنکه بچانه
می آید از طفل خود اثری ندیده از روز تا شب جستجو نمایند و روز دیگر هم با اتفاق جمع اهل آن ده صحرا و
بچکلها را کردش نمایند و در ششم طفل را در زیر درختی میان بچکل یافته اند از سر او بی قوتی از قوت
اقاده و مدجوش شده تا با آنهمه حیوان ضار که در بچکل است آسپی با زبیده در حفظ الهی حیانت
اورا بچانه آورده از آب گرم و روغن مالی بدنش انجامال آوردند و بتدریج از زنده رقیه دادند و بعد
دو سه روز بر خاسته راه قباد (دیگر آنکه گاوی کوساله زانیده و دو سه دشت است و سایر
اعضایش صحیح و درست بوده است لیکن زنده نمانده بوده است

۲۹۰۵

کتابخانه

در روزهای فرنگستان نوشته اند که در وقت قبض در روز ابتدای پیمان چون غیر طایفه یهود بوده است
 حادثه کاذب شایع میشود که یهودیها یکفرسنگ غریبها را با کار دزده و کشته اند بعضی شیوع این خبر عروق
 نقشب علیویها هیچ و تحریک آمده حسیع کثیری مجتمع گشته و هر چه از سبب جنگ داستان می آمده است برداشته
 بخت یهودیها در محکم آورد میروند و در انشای پانچ شش نفر از یهودیها که اجل آنها رسیده بوده است چهار اینها
 میگردند و عرضیع هلاکت میشوند بعد از آن بجایهای آنها میریزند آنچه اسباب اوضاع داشته اند مجموع رهنب
 و غارت میکنند با موس و عرض یهودیها دست اندازی مینمایند و قریب چهل نفر از آنها را از حشم در نموده و سایر
 یهودیها که در محله بودند بعضی بجانه قوس و لمارقه دخیل میشوند و بعضی بکشتیها میروند و بعضی بیرون فرار میکنند
 و قریب صد نفر عسکر که در آن قصبه مستحفظ بودند مطلقا بچاره و دفع این غایب نمیشود از آنجا نیز با اهل شهر اتفاق
 کرده در دست اندازی یهودیها شرکت میکنند حاکم آنجا احوال را که بدین منوال ملاحظه مینماید از قصبه اسرائیل که نزدیک
 بوده است آدم میفرستد و عسکر اعاد می آورد و با امداد آنها دفع این معنی و قیل و قال میکند و بقراری که نوشته اند
 پس از تحقیق و موشکافینا معلوم و معین گشته که این شهرت اصل غایب شده و دروغ محض بوده است چون این کیفیت
 در نظر امانی اور و پارزاد قسح بوده است در روزنامه نوشته اند (در جریده اسخوادت نوشته اند از واپورا
 قومیانیه یونان و پوری ستمی جزال و بلباس که بارش متاع تجار تی و مال فلوزره بوده است از ممالک انگلیس
 حرکت نموده الی لفظ آمده و در روز دوم پیمان فرنگی از مالطه حرکت کرده در روز سیم پیمان بطوفان
 شدیدی گرفتار گشته است بهر طوری که بوده است آب شروع در داخل شدن گشتی نموده و کشتی هم در فرود
 و غرق شدن بوده است درین بین یک کشتی تجار تی دولت فرانسه مشاهه میشود و اشرار میکنند
 نزدیک می آید هر چه آدم در آن کشتی یونان بوده است کشتی تجار تی فرانسه میروند در آن بین و پور مزبور غرق و تلف
 میشود و بقراری که نوشته اند زیاد از دو کور و مال فلوزره در آن کشتی بوده است چون متاع غرق شده در
 پیمانی بوده است ضرر چندان به تجار عاید نخواهد شد) (در بعضی روزنامه های فرنگستان نوشته اند که از میدان
 و سایر اطراف اشخی صیکه فرار نموده دولت سار دنیارقه اند و در آنجا داخل سلک عسکره شده اند برای سرگردی
 و سرداری آن اشخاص غریب الدنی نام شخصی که او هم رئیس انجور اشخاص فراری بوده است از جانب دولت سار دنیار
 تعیین شده و منصب میر تو ماننی بود اند و در روی دولت استرلیا که در میلانست چمن بسیاری از امانی ایالتی است از اینها
 در وقت فرصت بسیار می فرار نموده بطرف سار دنیار میروند و در این اوقات از جانب دولت استرلیا قرار داده اند که هر کس
 از این فراریان بدست پاوردن نشانه کلوز تفنگ یاد بگیرد در تعلیم نظامی در آن اردو و امانی ایالتی شخصی کلوز تفنگ خود
 انداخته و کلوز بیگن خزان رجزورده و در همان ساعت تسلیم نموده از اینجه در آن اردو و قیل و قال زیاد روی
 داده است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه هجری شمسی ۱۳۰۷ مطابق سال قمری ۱۳۲۷



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی سیاهون

موجب فیروزی گوگب هایون از ساعات بهمان که نهضت نمود رای جهان آرای سشیری اقصا فرمود که تشریف فرمای کردستان شوند و از طرف اسفندآباد تشریف فرمای سنج شده سه روز در آنجا توقف فرمودند چون درین سفرینت از همواره پیشنهاد خاطر رفتن بیاد طوکانه تعمیر بلاد و ترفیه عباد بود بعد از تشریف فرمائی چسبیده سنج عمارات آنجا که محل نشین دولت است بنظر مبارک پادشاهی رسید فرمای بسیار در آن فرمودند که نزدیک بانهدام بود و نظیر باینکه اندام آثارش دید چاکران این دولت بر خاطر مظهر هایون تا کو اراک آمد و مقرر فرمودند که سالی بگذارت توان از جانب سنی ابجانب هایون مرحمت شود هر قدر در سیم امان الله خان والی کردستان ممکن باشد از خود بدو عمارات مزبور را که آثار اجداد او بود در کمال آسبگی و استحکام تعمیر نمایند و گذارند بعد از این خرابی بهر سازند و کیوب قبای زری نطن می از بلوسین مبارک برسم خلعت در حق والی مرحمت شد از اول درود بجا که کردستان تا آخر خروج موجب هایون که مدت ده روز شد سیرسات عظمین رکاب مبارک را والی از خود پیشکش و ایثار فرمود موجب نصرت ازوم هایون نمود و از آنجا که از بدایت این سفر فرزند ماژم کو زمینیر هایون و کمون خاطر مدلت کسرترا خلعت مقرون بسط عدل و رفح جور بود در ولایتی بدعتی مشاوه میشد که موجب اذیت رقتی بود فوراً در مقام رفح آن بریسع آمدند از جمله بعد از تشریف فرمائی بجا که کردستان مشهور معلوم خاطر طوکانه کردید که حکام دولات سابقه آنسان بانی داشته و قرار می گذاشته بودند که هیچیک از احاد و افسند در حیت مالک ملک نبودند ملک هر کس را میخواستند

۲۹۰۷

میکرند و بدگیری می بخشیدند و این معنی باعث شده که احدی دل بآبادی هیچ ملکی نمی بست این بدعت عیفت برآید
 جان آرای هایون بجاییت ناگوار آمد امر و مقرر فرمودند پسر الملک فرمان هایون بشرف اصدا مفرودن داشت
 و صدر آن بسخط مبارک مزین و متوجح گردید و حسب الامر الاعلی المالی آن ولایت از برنا و پسر و صغیر کسیر در مسجد
 دارالاحسان اجتماع نموده فرمان مبارک را خطیب در آنس منبر با آواز جلی خواند و همان فشر از امر و مقرر فرمودند
 که در سنی مردم بزرگ حکمت کرده در سر در مسجد مزبور نصب نمایند و ابداً در این خیر کثیر مانند نام های هایون
 بماند و برای آنکه مصنون فسرمان هایون کوشند و جمع مردم شود سود آن بدون کسر و نقصان در روزنامه

رج میشود
 ولایت کردستان
 لایحه استظهار
 عمل ایلیک
 در روز بیست و نهم
 در روز بیست و نهم
 در روز بیست و نهم

وز آنجا که نظام حکم دوام دولت بدلول بالعدل قامت السموات و الارض بشماره از سعادت و طی ظلام ظلم بدعت
 مسلم و کتایادی غصب و صدوران و بسط بساط عدل و احسان بکلمه ان الله یامر بالعدل و الا احسان بحسب مردم
 حکمداری و جان بانی حکم نیز تا پیامن عنایات ازلی و مشیت لم یزلی قدم بر سر سلطنت واریکه دولت گذارنده و
 لوای کشورشالی و جانذاری برافراشته ایم همواره غریمت قضا ضمیمت عوکانه بر اعلام عدل و انصاف و
 انهدام بنیاد و جور و اعتساف موقوف داشته ایم که روز بروز دولت و ملت را فرود بنا فرستد و امصار و طلا
 آرسته و معمور آید و اثر این نامول و مقصود فرخنده بادالدهر در صفحات آیام باقی پاینده بماند با بجه در این ایام
 فیروزی توانان که سعادت کردستان مطلع ما هیچ رایت با فروشان است و قصبه سنندج از قوم مقدم طغوزان
 غیرت چهارم آسمان معروض رای پنهان سنیا ی جان آراد کثوف ضمیر منیر الهام پذیر خورشید عقلمای شان
 افتاد که از عهد سابقه و از مننه ماضیه در این ولایت قاعده این و رسم معمول ولایت حکام این سر زمین
 چنین بوده که در زمان حکومت اقتدار هر یک از ولایات صادر از المالی آنجا تصرف مالکانه در ملک و مالک
 بوده و الی آن عهد بهوای نفس و صرفت طبع خود اطلاق تارا که هر کس خواسته می بخشیده از سوابق آیام تا بحال هیچ
 کس را با بادی ده کده و معموریت علی و حرق قاتی و احداث مستغنی و غرس اشجار می و عمارت عمارتی خاطر مایل
 و ذی حقوقی بفرانغ بال و طمینان قلب بهنگ و تصاحب علی نایل گشته بعفت اشاده این شیوه شینه و قواعد
 قیمت مستغلات سایر اطلاق کاسد آب خاک بکلی فاسد مانده است لهذا وقوع این عمل نامحسوس و بدعت
 نموده در حوصله علم خدیوانه بکنجیده در نهان شده سعوده قوی نیل سعادت تحویل و مابعد از فرار همین

همایون توسیع وقع ویرلیغ چلیغ جاملطاع امر و مستر فرمودیم که جمع امالی و ساکنین و قاطنین ولایت
کردستان از اعظم داعیان و ترک و تاجیک و غریبه و بومی و رعیت و پساهاهی مثل سایر ولایات ممالک
محمود شاهیه خود را پس از آنکه بعد از آنکه ملک موروثی و مکتبی متصرفی خود را نسبتاً مطمئن تمام و مستطاب
مالکلام بلوازم ناموریت و آبادی و ضبط و ربط اطلاق خود قیام و قیام نماید و ولایت و حکام در این
حال استقبال ایسح اسم و رسم مستطاب صاحب ملک احدی ندانند و اگر احدی از حکام و ولایات
کردستان خواسته باشند باین شیوه مکتوبیده رفتار نمایند صاحبان ملک مذکور مهشده که داد خود را بدر بار
معدلتما در پادشاهی آورده لازم داد خواهی از منطوقین بعمل آید مقرر آنکه حال چاه و منبع جایگاه فحاست
و مساحت آنکه عمده الولا ملطاع نام مقرب الخاقان امان الله خان الی کردستان چنانکه خود سابق و مستطاب
این قاعده مستحبه بود حسب المقرر قدغن نماید دست تعدی و تصرف از املاک امالی و ساکنین کردستان کشیده
و مکتوف دارند و جمع ملک و ذومی الحقوق املاک را باین موروثی و مکتبی خود را مختصی خود را نسبتاً بحدی باقی
در آورند و پریم و شرای آنها هم مذکور و مختار باشند اگر بکلاف این حکم قصاصشول رفتار شود از آنجا چاه
یا حکام و مباشرین جز در آب ملک احدی طمع و دخل و تصرف اقع کرد با لقطع مورد سیاست است
خواهد شد البته مدلول حکم همایون و مضمون فرمان قصاص جریان از جمیع مساجد در روس مبارک و شرفها
و عام و کافه نام نماید و وضع و شریف و سعید یک را آگاهی به تاحاته حسلائق را ایتد واری
حاصل آید المقرر شاهزادگان کسری چشم و اسلاف و اخلاف کرام و سلاطین و خواستین و فرزندان
ممالک محمود شاهیه ایران در اجرای این حکم همایون که محض رضای خالق چون موجب آسودگی خلایق است
مساعدی مسکوره و مراقبات موفوره مرعی و منظور دارند و مستوفیان عظام شرح فرمان همایون را
ثبت و ضبط نموده در عمده شناسند شرفی و احترام

۲۹۰۹

دارا خلاقه طهران

از زمان حرکت موبک فیروزی کوکب همایون از دار بخلاقه الباهره تا کنون که هفتدهم ذیقعدہ الحرام است
از فراقبال دولت پسر وال و حسن مراقبت و اهتمام شاهزاده نصره الدوله به سبب امری که معایر بر
عدالت و احتساب مانی رای عدلت آرامی سه کار علیحضرت اقدس همایون شاه شاه مالک قایب
خداوند ملکه و سلطانه باشد صورت وقوع نیافتد و عالی ادانی مردم در مدام و آسایش مشغول است
مردود خود و دعا کونی اذات اقدس همایون شاه شاهیه چاشند [شاهزاده نصره الدوله در رسیدگی
امور است لایقی و انجام خدمات دیوانی نهایت جهد را مبذول میدارند و هر یک از چاکران دیوانی نیز

مراقبت مواظب خدمات محوله بخود چاشند) (هوائی دارا کخلافه در نهایت اعتدال است تا این اوقات
 شد و در حرارت بهر رسید است چنانچه میتوان گفت که در این چند سال گذشته در فصل هوائی باین حسن
 اعتدال محسوس گشته است و از تفضلات ایزدی کمال فساد وانی دار زانی در جو بات مسایر تنگت حاصل
 و بعد از دست آمدن غده تازه روز بروز این نعمت دراز دیا دا است چنانکه جو که در تسخیر بخرداری سه توان رسید
 بود احوال بخرداری تازه هزار رسید کمال و فوراً دارد) (و بقرار یک تجار از دار السلطنه تبریز نوشته اند
 در شب شنبه دوم شهر ذیحجه پیش صبح در آن ولایت زلزله اتفاق افتاده ولی از تفضلات حضرت اقدس
 سبحانی و برکات آنکه اطهار علیهم صلوات اللک العالی بر سر چه آسپ و خسارتی با مالی آن ولایت روی نماند
 و الا جانان در کف حفظ و حراست ایزدی محفوظ و محروس بوده اند و نیز از تشریح آنکه نوشته بودند از قرار
 نوشته جات تجار تی که از اوزنه الزوم به تبریز رسید است در روز پنجشنبه سنج شوال کیساعت بطور مانده در
 اوزنه الزوم زلزله شدیدی واقع شده و از عمارات آن ولایت زیاده از حد خسارتی بهر مانیده بسیار
 از نفوس اموال در معرض تلف در آمده است) (حاجی حسنعلی باجرگاشانی که مدتی بود در طهران بناخوشی
 استقامتی زنی مبتلا بود و کثیر اطبای این ولایت از مسلمان و نصاری و یهود از معالجه او فرود مانده بودند
 و آنچه سعی کرده بودند چاره پذیر نگشته بود در این اوقات میرزا ابوالفضل طیب کاشانی که بهستی مدبار کخلافه
 آمده بود مشا را لیه را در یک اربعین معالجه نموده صحت یافته است) (چون صرافهای دارا کخلافه بنا
 ثقلب گذارده بودند شازاده نصره آیدوله یکصد ششصد و یکصد پنجاهاری و یکصد و دویست هزاری تمام وزن
 دست عیار بامینی از خود داده فرستادند که نزد چند نفر صراف برده بعد از استمراج حالت آنها که چه
 قدر مطالبه صرف نمایند خرد کند و پول سیاه و سفید گرفته بیاورد این مزبور بر حسب دستور العمل
 رفتار نموده نزد چند نفر صراف رفته و یکی بتفاوت با آنکه پولها تمام وزن بود مطالبه کسر وزن
 کرده بودند بالاحسن صدی دویست دینار از بابت کسر وزن و یکصد دینار از بابت صرف در یافت
 نموده خرد داده بودند بعد از آنکه حقیقت عمل صرافان بر شازاده معلوم شد آنها را احضار نموده در
 ساختند که اگر پیشانیها دو پول سیاه مبادله شود تومانی دویست و پنجاه دینار و سیصد دینار بدو
 مطالبه صرف برای صراف منفعت دارد دیگر چه با بیدار مردم صرف نخواهید گذشته
 از آن چه اشرفی تمام وزن را محض ثقلب میگویند کسر دارد و صرافهای
 مزبور را تنبیه نموده از جمیع صرافان استنزام گرفتند که
 دیگر ثقلب ننمایند

۲۹۱۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ دوم پشنبه چهارم شهریور ۱۳۲۷ مطابق سال قمری ۱۳۷۰



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی سیون

مرکب نصرت نمون همایون از سنندج تشریف فرمای ساحات گردس شده در چهار دور روز توقف کردید و سالی پانصد تومان برای تعمیر عمارات مخفلی خانی و محمد صادق خانی که از بهیله متعالیه بود و در حالت اندر اسس فرشته بزین العابدین چنان حاکم کرد و سس مرحمت شد که همه ساله صرف تعمیر آنجا نماید تا وقتیکه معمور و آباد شود و مواریث یکثوب چته ترمه کرمانی بشار الیه و یکثوب چته بیچی خان سرینک پسر حسنعلی خان سرشپ اول وزیر مختار امور پاریس خلعت مرحمت کردید (دو چونکه محمد حسین خان نسیمی باشی در این سفر بمنیت اثر در نظم اردوی همایون و انجام خدمات محوله لازمه کوشش و اهتمام بعمل آورده مراسم کنایت و کاروانی خود را در پیشگاه حضور مبارک ظن هر ساخت یکثوب کلچه از طبوس سن مبارک بشار الیه خلعت مرحمت شد و نظر بآنکه امر سیورساتخانه مبارک که از بی مبالاتی با شرمین سابق مغشوش بود و سیورسات مردم را در دست غیر سیورسات لهما مراقبت نظم سیورساتخانه مبارک که نیز علاوه بر خدمات محوله سابقه بشار الیه تحویل کردید که مقتضای کنایت و کاروانی امر سیورسات را منظم نماید و برای شرمین کاتب همایون حالت معطلی نماید و از چهار بطرف سلطانیته عثمان کرای گردیده در هیچ جا توقف نفرمودند و در منزل چکت باز که اول خاک حرمه است چکت حاکم آنجا شرفیاب خاک پای مبارک شده بتفقدات طوکانه سس از ذکر دید و بخوازم خدمات شرمین کاتب همایون از رساندن سیورسات غیر اقدام نمود تا روز یکشنبه دوم شهریور ایامه احرام از منزل شاه سلطانی بجزم نزول در سلطانیته مرکب همایون حرکت فرمود و اردوی نظنای که حسب الامر لاقه سس در معینت

۲۹۱۱

موقوف و مترصد شرفیابی خاکپای مبارک بودند از تو بگذرانند و سواره و پیاده و افواج در مقابل استقبال
 آنها مقرر شده بود و صفوف نظام آراسته داشتند صفوف عساکر منصوره از نزدیک شاه به بلاغی تا عمارت
 سلطنتیه که متجاور از یکفرسخ بود با کمال نظام و آراستگی و شکوه صف کشیده ایستاده بودند در اول سپهسالار
 و امین لشکر و صاحب منصبان از قبیل حسینخان نظام الدوله و محمدخان امیر تومان و سرتیپان اول مثل سلیمانخان
 افشار و آقاخان و علیخان قره‌اکو زلو و مصطفی خان قره‌اکو زلو و پاشا خان و سایر صاحب منصبان از قبیل
 نایب‌ان اجداد انباشتی و معلین فرانس شرف اندوز رکاب مبارک شدند و از جانب سنی ابجوانب پادشاهی
 اظهار کمال مرحمت و رحمت بیسیع آنها نمودند و در حق سپهسالار خصوصاً طاهر کرده بدین نوعی که هر یک هزار زبان
 در مقام شکر گذاری اعتراف بقصور خدمت در مقابل آنگونه مرحمت برآمدند بعد از آن با قول صفت
 سواره رسیده که بقدر ده هزار نفر ^{از اول صف بر سر} همیشه بدقت ملاحظه فرمودند و بعد از آن بویکانه مبارک که رسیده
 عبدالعسلی خان سرتیپ تو بگذرانند را مورد مرجم طوکانه ساخته جمع تو بگذرانند را ملاحظه فرمودند بعد از آن بابت
 افواج قاهره رسیده بنوعی جمع افواج عساکر منصوره منتهی بودند و دسته بندی افواج بطوری شده بود
 که زیاده از حد در نظر مرحمت کسرتیپان مستحسن و مقبول افتاد بلکه از شدت راهی قابل بودند و تصدیق دارند
 که تا بحال قشون ایران باین نظم و آراستگی نبوده است و از آن پس صاحب منصبانی که در سراسر افواج ایستاد
 بودند از قبیل محمد قلیخان حسام الدوله سرتیپ محمد رضا خان سرتیپ و لطفعلی خان سرتیپ و سایر سرتیپان
 و صاحب منصبان اظهار کمال عاطفت فرمودند و بعد از آنکه سرکار آقا حسن بیگ شاهی را در ملاحظه
 سپاه نصرت همراه تو بجات طوکانه مبذول کردید تشریف فرمای سلطنتیه شده در عمارت سلطنتیه نزدیک
 جلال فرمودند و در چهار روز شاهزاده هاشم الدوله که برکاب مستطاب همایون احضار شده بودند
 با جمع شیخ و خوانین عربستان و لرستان برکاب طفرانتاب شرفیابی حاصل نموده مورد الطاف
 طوکانه مشمول احرام خدیوانه شدند (هر روز صبح جمع قاهره در میدان کنار اردو پیش و حرکات
 عسکره مشغولند و علاوه بر این که روز مشی میکنند مقرر شده است ده فوج از افواج منصوره هر روز عصر هم در
 جلوعمارت سلطنتیه حاضر شده مش شلیک نمایند و هر روزه حسب احوال رفتار نموده اند

۲۹۱۲

دارا خلفه طهران

از زمان حرکت موکب همایون علیحضرت شاهنشاهی قلد الله ملک و سلطنتیه بهیچوجه در اطراف شهر حرکت
 نیفتاده سوای اینکه چندی قبل در پیرون شهر آسایا بهای قاسمیانی چندر اس الایغ مشغول شده هر چه تجسس
 نمودند اثری ظاهر نشده تا این اوقات چار و دار ما زدن را با دوازده بار پنج آنرا مازدن را می آمدند

بعد چهل تومان بسم شخواه نقد همراه داشتند در سحر حصار که نزدیک جاجرد است ششصد و پنجاه تومان بخت
 پنج و شخواه را میرند خدمت شاهزاده نصره الدوله عارض میشود معوی الیه بقرا سوراها نقد عن مینمایند که کلاً
 سارق را پنجاه بسم قرا سوراها تجسس شد یک نفر سارق را با بارهای پنج و شخواه بالا غنسانی که سابق برده
 بودند دست آورده حاضر میسازند شاهزاده اشیا را بعینه بصاحبانش رهنموده که آنها بشکرانه این
 نعمت بدعای ذات اقدس شریاری مشغول شود و از قرار یک معلوم شد این شش نفر در اهل ولایات مختلفه
 بوده اند از قسمل کلر و کرمانشان در سر بند می که همیشه شغل آنها سرت بود و یک نفر حاضر در حکم بیست
 نموده و عقوبت پنج نفر دیگر فرستاده که حکماً باید سیداشوند و آنها را نیز نامورین بدست آورده خدمت شاهزاده
 حاضر نمودند مدعی شده بودند که مکاری الهامی خود را در محضر او کرده بود و مفقود شده بودند ما پس از
 با او نیستیم لیکن شاهزاده چون دانستند که دروغ میگویند آنها را تنبیه نموده الشرام گرفتند که ولایات خود
 بروند اگر در حوالی طهران مرنی شوند مورد سیاست و نسیق کردند (طبوس نظامی که از صفهان
 آورده بودند و در دار الخلافه گردیده بسلطانیته روانه شد) چند نفر از اهل عراق پول خارج و قلب
 سکه مینویدند شاهزاده مطلع شده آنها را آورد و تنبیه نمودند و الشرام گرفتند که دیگر پرامون آنگونه اعمال نکند
 نظر با که موکب فیروزی کوکب ابعاد حرکت از بهمان اطراف اقامت چندانی در سایر منازل
 و بلوک عرض راه اتفاق نیفتاده بود و از آنچه خبر روزنامه از اردوی همایون بدار الخلافه
 چندی دیرتر رسید نگارش و اطباع روزنامه چند هفته باخیر اها پس از آنکه اخبار از اردوی
 همایون رسید اخبار در ضمن روزنامه های متداول متعارف نگاشته میشود چون تاریخ وقوع و قیام از
 تاریخ روزنامه نمره ۳۲ مؤخر بود بهسمان لحاظ ترتیب نمره و تاریخ اصلی و ادلی که بر بسم خود در روزنامه
 چند هفته نگاشته می کرد است و خواهد شد و نگارنده روزنامه از مطالع کنندگان است
 که ایرادی در نیاب نکرده و در تقدیم و تاخیر اخبار و تاریخ تحریر اعراض فرمایند العذر عند کرام الناس

اخبار دول خارجه

بقراری که از عجایب حوادث در روزنامه های فرانکستان نوشته اند کشتیهای تجار تی فرانسه یک کشتی در
 این اوقات در ساحل بحر مستدل هند بمسافت پانصد میل از کنار در در قریب جزیره رود سل نام
 بخشی رسیده در چنین جایی که مطلقاً آنجا را ندیده و نشنیده و زرقه بودند از وقت آنها از ناکولات و مشروبات
 بالکلیه تام شده و بجهت نابلدی آنها اوستام شدن ناکولات و مشروبات خرن تام باالی کشتی مزبور
 روی داده چونکه شنیده و فهمیده بودند که مالی آن جزیره وحشی و موری استند از جهت خوف و وحشت

از آنجا که بعضی صراحت پروین رفتن بخزیره نکرند چندان زهید نمودن حیوانات بحسری که ران نموده بعد از آن
 ده نفر از اهل آن کشتی بخمال آنکه شاید کشتی دیگر بنظرشان پایدوار خارج صید و شکاری بدست آورند کشتی
 کوچکی نشسته از طرفی روانه شد پس از رفتن اینها اهل کشتی دیدند از سمت جزیره جمعیت کثیری از اعراب
 سیاه نمودار و سپیداشدند و هجوم با اهل این کشتی آوردند و تخیلاً چهارصد نفر از مسافران و عمامه که در آن کشتی بودند
 محجوع آنها را گرفته اسیر نمودند و اهل کشتی اینقدر شنیده بودند که ایسا لاین جزیره را یا مایم میگویند و در
 پیش اینها کوشش انسان سفید نهایت مرغوب و مطلوب و لذیذ باشد بعد از آنکه دستگیر شدند بقدریست
 نفر از آنها را کشته و کباب نموده میخورد پس از آن باقی آنها را بسته بخزیره برده بقصد آنکه چاق و فربه نمایند
 همه روزه و همه وقت با ایشان جز تا زده و خرمادار یا تفصیل چیزی میداده و میخورانیدند و هر روز صبح چهار
 پانزده نفر از آنها که چاق و ماکول بودند می آوردند و بجهت آنکه گوشت و استخوان آنها نازک و لطیف شود
 با چوبهای بزرگ و قوی آنها را میسوزیدند و بعد از آن سرشان را بریده و کوبیده و با کوزه همی ز یاد در آن
 جمع نموده می افروختند و آتش که می افکند آنها را پارچه پارچه در آن شش کباب نموده میخوردند و گوشتها را مغز
 و انگشتهای انسان در پیش آنها بسیار لذیذ بوده است بر سر آن با یکدیگر نزاع و دعوی میکردند و باز در
 میان خودشان بطوری قسمت نموده اند کیفیت از اهل سواحل آن و نیز در میان این جمعیت کشتی بوده است
 و قلم همراه داشته است با آن قلم بنای دعوی میگذارد و چهار پنج نفر از آنها را هم میکشد و آخر الامر او را نیز
 میکشد و بسزای خود میرساند و گوشت از اهرام با گوشت مردای خودشان میخوردند از مقتدرات الهی
 شخصی پیر نا خوشی ضعیف و لاعلم در میان جمعیت اهل کشتی بوده است بسبب آنکه گوشت او باب دندان نبوده
 عثمایی در محاربت محافظت او داشته اند و روزی که با طراف میرفته است روزی خود را پنهان نمود
 نزد یکی کشتی خودشان که در نزدیک کنار دریا بوده می آید و در آنجا با کپور و زپنهان می شود تا ده نفری که از او جدا
 اینها بجهت شکار و تفحص کشتی دیگر کشتی کوچک نشسته بودند میرسند و اینها را خوش خود را بسند در قفا میرسانند
 و احوالات ابا آنها بیان نموده در همان ساعت بوسط دریا بر میگردند و در آن کشتی پور دولتی فرانسه
 سنی بنشینش اطلاعات نموده داخل آن کشتی میشوند و آن پس کیفیت را با اهل آن کشتی بیان مینمایند و آن

۲۹۱۴

آنجا این کیفیت منتشر میگردد

و نیز نوشته اند که فرقه از عسکر که عبارت از جمده هزار نفر باشد از جانب علمحضرت امپراطوری امر و مقرر
 شده است که جزایر بطرف دولت ساردینیا بروند و این اوقات متجاوز از شصت کرد و پهل نقد در خزان
 تهیه نموده و فرستاده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه بیاریخ یوم پنجشنبه بیست و یکم شهر ذیقعده مطابق سال قوی سیک



مطبخه دارا کلاخه طهران

نمره چهار صد و سی و هشت

قیمت اصحاب

قیمت روزنامه

هر طریقه

بر نفع ده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

ایرانیان

روز پنجشنبه بیست و یکم شهر ذیقعده محرم سال ۱۲۲۵ شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطنته تبیدان جلوه
 سعادت شریف آورده در چادر سلطانه که در آن روز منصب نموده بودند جلوس فرمودند و برای سان حکم
 با حضور جمیع سواره شرف اصدار یافتند یکی در نهایت آستینکی حاضر شدند همه دستجات سوار را علی
 التفصیل از صبح تا قرب مغروب بنظر وقت ملاحظه نموده بان حضور مبارک شرف شدند و انجمنی با
 تیغ تفنگ و اسباب سواری فتمای نامی در جمیع سواره موجود بود و در لظنه نور بهایون بسیار مقبول و
 مستحسن نمود و از جانب سنی ابجوانب بهایون همه آنها انعام مرحمت شد چون بجهت اینکه سواران آهسته تر
 و بهتر از سابق باشد بر مواجبا کثیر لشکر سواره فرود آمدند پس سالار این لشکر امر و معتبر کردید که جو
 و جیر و علیق جمع دستجات را فرود آمدند شخص نموده بهر یک حال کردند که از دیوان اساع در سال جدید بر یک
 از سواره مرحمت می شود و همه آنها از جانب سنی ابجوانب بهایون اذن مرحمت شد که اگر کت از آنچه دیوان اساع
 مرحمت می نماید در سال سکر کرده و صاحب منصب آنها بدین اذن دارند که مرا بهر آنجا که میسای مبارک برسانند حکم
 بهایون شبیه آنکه در میان تعلق کرده است صادر شود و حق سوار هم استرداد کرد و چون چشای اطراف سلطانی تمام شد
 بود و احضار سواره سلطانی هم محض رسیدگی و تشریف آوردیدن مان آنها بود بعد از تمام عمل مزبور دیگر وجودشان ضرورت
 نداشت لذا غیر از پنجاه سوار که باید مشرم رکاب بهایون باشند باقی را مرخص فرمودند و با کمال خوشوقتی و امید
 داری روانه شدند و حکم فرمودند که هر وقت احضار فرمایند در روز بازر در رکاب بهایون باشند

۲۹۱۵

و در شب جمعه در جلوعمارت شبازی خوبی ترتیب داده بودند و در لطف مبارک مستحسن افتاد و روز جمعه
بهتم سهر کار قدس هاپون بشارت شریف برده هنگام غروب مرحمت فرمودند

سایر ولایات

تیسیر از قراریکه از تبریز نوشته اند امیرزاده ساسان میرزا که حسب الامراه تسه هاپون بکار یکی
تبریز است در مراقبت نظم شهر و ارزانی زرها نهایت اهتمام را دارد و موافق دستور لعل شاهزاده
مقرالدوله و سهرار کل بخدمت محوله اشتغال میورزد و این اوقات قیمت نان و ناکولات تنزل کلی
کرده است و از وقایع ناکوار که روز چهارم دیگجه دیواری بلند در پیشبام حرمخانه خراب میشود
و شش نفر از متعلمین مدرس سهرار القون که در تیسیر بوده مذاقت در آنوقت از آنجا عبور میکردند و در دیوار
پیدا در آنروز سهرار کل هم بخدمت دیدن ساسان ایسان ایمنی از شهر بیرون رفته بودند ساسان میرزا مطلع میشود
و با جمعیت رفقه آنها را بیرون آوردند و لوازم شیخ تعزیه داری معمول میدارند اسامی آنها از این
قرار است و اسدالله خان پیر جعفر شیخان سر جنگ هم در زیر دیوار میرزا مانده اند است

اسدالله خان پیر پیران میرزا حسنعلی خان لطفعلی خان پیر حاج میرزا حسنعلی خان ذوالفقار خان پیر حسنعلی خان
نورمحمد خان سهرار حاکم بوکات ثلاث باغیث سر جنگ همیشه

۲۹۱۶

قرهین از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند حاجی حسنخان پیکار قرهین در نظم ولایت رفاه رعیت
اهتمام کلی دارد و جریه و رسوای متداوله سابقه را با مله موقوف نموده است (دخدی قبل علای
از دیوان اسعه برای اخذ شواهدی بساده رفته بود در وقت مراجعت پنج نفر در زیر سهرار دیده اور
ساخته بودند فرج سیک نایب انگلوه ساوه بعد از اطلاع چند نفر سوار بجستی از دای مزبور روانه میکند
و سوار در مقام شخص برآمده معلوم کرده بودند که سارقین از سواره ایلات قرهین میباشند مراتب را
بجای حسنخان عالی میباشند مشارالیه فرستاده آنها را گرفته مجوس نموده است و مراتب را بجا کپای
مبارکت معروض داشته است از جانب سنی ابجانب هاپون امر و مقرر گردید که آنها را برکاب طفر
انتساب ببرد تا بسزای خود برسند

کرمانشان از قراریکه نوشته اند امورات آن حدود از هرجه عظیم است و شاهزاده
علاءالدوله که بعزم شرفیابی خاکسای هاپون بار دوی کیران شکوه رفقه بودند در این چیز روز مراجعت نموده اند
شهره کوکرای دیو این نامه موره کرمانشان لوازم استقبال امری داشته اند و در نظم آن خود هیچ وجه قصور
حاصل نیست [و از دین باقیه آنکه سیدبراکه نام است در شلمه زنجیر در میان طایفه کوران که اعتقاد

کامل بود و در پذیرستید مزبور روزی یکی از مردان نزاع مینماید و هر دو بر سر شمشیر نرده هر یک بر سر شمشیر را جدا
 مینماید و فرار نموده بمیان طایفه خود میرود و اقوامش او را گرفته خدمت پید میسرند سید میگوید او را
 مرخص نمانید با او محبت نموده میگوید میخواهی کافی الت سابق در کتبه بان میخواهی بروی شخص قاتل دوسه روزی
 در همان کتبه میماند بعد از دوسه روز همان شمشیر را بر میدارد و در میسان کتبه حلقوم خود را قطع میکند بعد چون
 از هلاکت او سخته میشود او را بعزت تمام بخاک میسپارند

اخبار دول خارجی

در روزنامه های فرانسه نوشته اند این اوقات از جانب علم حضرت امپراطوری امر دستتر شده است که
 معادل یکصد و چهل هزار نفر با قرعه داخل سکه عسکریه نمایند (و نیز در روزنامه های رسمی فرانسه
 نوشته اند این اوقات متجاوزان رشت که در پول نقد در حنانه فرانسه است بجهت ضرورت و مخارج و
 اخراجات پنجاه کرد و دیگر احتیاج دارد و قبل از وقت در فکر تهیه و استراض پنجاه کرد و سهصد و بیست و پنج
 فرانسه اخبار نموده اند) [و نیز نوشته اند از قشون بحری دولت فرانسه اشخاصی که مدت خدمت آنها تمام
 رسیده و ستشان از چهل گذشته اذن مرخصی حاصل کرده بودند این اوقات از جانب علم حضرت امپراطور
 امر جمع کردن این فتنه شده و از برای اینها تدار داده اند که سیوسه تاراد و معادل سایرین بدهند
 در روزنامه های بلجیک نوشته اند اگر چه دولت بلجیک تا این اوقات خستیار کمپل فرام کرده و بطرف بود
 اوقات از جانب دولت فرانسه پروسیا نوشتجات رسمی دولت بلجیک نوشته اند که مفاد آنها دلالت
 بر آن داشته است که لا محاله باید اختیار یک طرفی را بکنند لهذا دولت مزبور در تهیه تدارک هشتاد هزار
 قشون در فکر جمع آوری و احضار آنها بوده است] (در روزنامه های فرنگستان نوشته اند شخص
 صریحی از طایفه بود اسکس نام بقدر دو کرد و در شوازه از پول اسکس و کاغذی و سهمهای آه آهنی
 داشته است در این احوال حالیه حربیه نظر بر اینکه قیمت اسکس و اسهام متنزل نموده است شخص
 ورست شده مفلس گشته است) (در روزنامه های فرانسه نوشته اند غراند ذوق طونغانه یعنی خاتم
 طوسغانه بسبب بعضی تکالیف که از امانی آنجا بعند ذوقه مشارالیه نموده شد او را قبول تکالیف مزبور
 شاق و قوه رد کردن آنها را نیز نداشت ترک حکومت و مقر حکومت خود نموده با اهل و عیال خود
 بطرف یاپاق عازم و روانه شد پس از رفتن او مجموع عساکر و امانی طوسغانه رد بطرف دولت
 ساردینیا کرده و بصیبت آمد و لقا قبول نموده اند و و ایالت کوچکی که در آن حواسله واقع بود
 آنها هم مثل اینها حرکت نموده تابع دولت ساردینیا شده اند) (از وقایع فرنگستان نوشته اند

۲۹۱۷

نظر بر اینکه عظمی حضرت امپراطور فرانسه در اداب و رسوم عرب و قوانین لشکر کشی نهایت مهارت و وقوف تام و تمام را دارد این اوقات عسکری که بقتل ایالتی میخواستند بفرستند خود عظمی حضرت امپراطوری بشخصه اراده سرداری عسکر مزبور را دارند و بنیت شهر توپین از پاریس حرکت کرده و عازم کشته اند و اگر که عسکر مزبور را بشخص قسنت قرار داده اند اول را با مارشال پراکه و لیما دوم را بحضرت امپراطور سیم را به مارشال فازو بر چهارم را بحضرت امپراطور پنجم را پونس نامیون و بار دویکم به سمت ایلمانیان امور است مارشال پرسیه را سردار و نصب نموده اند با این ارکان حرکت در راه شوال از پاریس حرکت فرموده در راه خشکی تا مارسیا رفته و در آنجا سوار واپو کشته بگونه که محل اردوگاه امپراطوری بوده است غزیت نموده اند و خودشان از قائم مقام و پنج نفر بستاناری قسنت مقام نصب کرده امور مملکت را بعهده اینها محول و مفوض داشته اند

در روزنامه های رسمی فرانسه نوشته اند سابق بر این از طرف دولت فرانسه بطلب و جمع کردن یکصد و چهل هزار عسکر باقره قرار داده بودند این اوقات دوباره جمع یکصد و چهل هزار نفر که علاوه بر هزار و اوایل باشد قرار بجد داده اند که باید این یکصد و چهل هزار نفر آخری تا اول کانون بینه جمع و در غزات معتینه عسکریه حاضر باشند از جانب عظمی حضرت امپراطوری در باب تهیه و تدارک اینها بویلن لیتیه امر و تشییع کشته و نیز در روزنامه های رسمی فرانسه نوشته اند از جانب عظمی حضرت امپراطوری اعلان حکم شده است از عساکری که مدت خدمت آنها تمام گشته و بکنه عسکریه معاف و مرخص شده بودند هر کس که میل و خواهش خود را بیاورد داخل قشون بشود و تا هفت سال خدمت بگذرد مدت هفت سال و پس از فراتر از آن خواهد بود که هزار عدد در اول و خواه بک عسکر و هزار عدد دیگر بعد از اتمام هفت سال باشد (در روزنامه های فرانسه نوشته اند که عظمی حضرت امپراطور استریتیه بجهت بودن در امور سرداری قشون بالذات بشخصه از ویانه حرکت نموده و بموقع حرب غزیت نموده اند و امپراطور سیم قائم مقامی مملکت را بعهده آرشد که بنیام شخص محول و مفوض داشته اند و این اوقات از تبعه دولت مزبور خلیگان آرزوی داخل شدن در سگت عسکر و تنسای او طلبی نموده اند از جهت اینکه اینها را محسوم و مایوس نکنند و از سایر امانی نیز صرفی و کفایت کوفی در این بابها صادر نشود قرار داده اند که یک فرقه داوطلب علیحده برقرار شود و جای مخصوصی از برای این قبیل اشخاص معین و مشخص گردد که در آنجا جمعیت نمایند بعد از انقضاء جمعیت اینها بر محل و مکان که مناسب باشد مایور باشند پس از قرار یافتن این جمعیت از شاگردان مدارس مکاتب کم از این مقدمه مستخرج گشته و شنیده اند خلیگان بخوابش داخل شدن بک عسکر برآمده اند و قبسم سابق در حق آنها معاطه و رفتار نموده شده است

۲۹۱۸

روزنامه وقایع اتفاقیه بیارخ یوم چشمنیست و هشتم شهر ذی قعدة مطابق سال قوی سن



منطقه دار الخلفه طهران

نمره چهارصد و سی و نهم

قیمت روزنامه

هر نسخه در سال

بر مطبعه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی مایون

روز شنبه هشتم ذی قعدة چهار فوج از افواج منصوره و توپخانه مبارکه برای مشق و شلیک در نزدیکی اردو صفوف نظامی آراستند و سرکار علیحضرت اقدس همایون بلاحظه آنها تشریف بردند جمیع افواج در حرکت قلعه بسته و با حرکات دیگر عسکریه مشغول شلیک تفنگ شدند و بسیار با تعلیم و خوب حرکت نمودند و در نظر انور مستحسن افتاد و برای توپخانه مبارکه موسیوس قورخانه ترتیب داده بود که هر عراده پوله صندوق قورخانه همراه داشت و کل توپچیان کیراده توپ همه جای سواری داشتند که هیچ توپچی پاد نبود و در صندوقها جمع توپچیان توپها را بسبب سهولت سرعت حرکت میداد و در نظر انور زیاد مستحسن آمده امر و مستحضر فرمودند که جمیع توپچیان مبارکه را بهین قسم بسازند (در اوقاتیکه سرکار علیحضرت قدرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه در دار الخلفه الباهره تشریف داشتند و عطفاً بسلطه حکم فرمودند که عجائبات الی سلطانتیه قلعراف کشیده شود که از اردوی سلطانتیه با طهران بسهولت گفتگو شود و احکام صا در آید شاهزاده مغربی الیه نیز در خاکپای همایون تعهد نمودند که تا درود موکب سعور سلطانتیه قلعراف از طهران تا سلطانتیه ساخته شده باشد با آنکه موکب همایون سلخ شعبان از دار الخلفه حرکت فرمود و عیضاً و تسلطانه در پست و هشتم رمضان ای این عمل از طهران بیرون آمدند تا درود موکب سعور و سلطانتیه سیم قلعراف را از دار الخلفه بسلطانتیه سازند و روز نهم شرفی انچه احکام سرکار علیحضرت اقدس همایون شهرباری بپساری که صفحہ حروف سیم قلعراف در انجا استوار است تشریف

۲۹۱۹

تشریف فرما شده باشه شاهزاده نضرة الدوله حاکم دار الخلافه و میرزا موسی زیر و محسن خان ناصر الملک وزیر
صیاع و سایر چاکران دولت که در دار الخلافه طهران بودند مخاطبات ملوکانه فرمودند و آنها هم جواب
معروض داشتند و بشاهزاده عضا و تسلطه اظهار کمال مرحمت و عاطفت ملوکانه فرموده در همان حضور
مبارک یکقطعه نشان تمثال مایون بکل بالماس که کمال امتیاز و بهشت بکزار تومان انعام نقد در حق معززی
عیایت شد و علاوه بر سایر خدمات ایشان از منصب و لقب وزارت علوم نیز شرفی افزای فرمودند و غالب
چاکران مشرین کاب مبارک مطالب فوری خود را این اوقات با تعراف بدار الخلافه اطلاع مینمایند
و جواب می آید و صرفی پنجاه دینار هم حسب المقرر قرار شده است که بهباشه تعراف بدینند و
بر کس سوال و جوابی داشته باشد بلا منع آمد گفتگو مینماید و بعد از شاهزاده محسنی الیه حکم مقرر گردید که از سیل
تا زنجان هم در همین حدودی تعراف رکشید برسانند و عماله در آنجا داشته اند و اخیر میزان سیم تعراف را
تسبی برسانند که برای مردم فراغتی در سوال و جواب با طهران حاصل شود تا بعد از شاه تبار تعالی
سایر سرحدات مالک محروسه پادشاهی ببرند (در این عمل تعراف میرزا ظلم خان سر قپ
و اجدان خاصه حضور همایون بهنگام ناموریت پاریس خدمت برآید نموده است و باعث

مزید القات در حق او شده است

۲۹۲۰

نظر بانکه موسی فوکتی از بابت شروع در عمل تعراف این اوقات در خدمت شاهزاده عضا و تسلطه
مجاهاست و اهتمام نموده است و زاول که کار اقدس همایون در سلطانیه بجا در تعراف تشریف
فرما شد یکطاقه شال ترمه کشمیری و پنجاه تومان نقد که پیشکشی شاهزاده معززی لیب بود در حق موسی
فوکتی خلعت انعام مرحمت شده مورد شمول عیایت ملوکانه گردید

سایر ولایات

پس از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته اند صاحب دیوان در نظم ولایت و آسایش رعیت
نهایت اهتمام وادارند و از جمله قرارهای مستحسنه که داده اند آنست که بهیچیک از ذوات ملوکات
محصل روایه نینمایند و رعیت خود مالیات را آورده تحویل میدهد و بی مطالبه رسوم با و قبض مینماید
و جرید و رسوات و سیورسات را هم بهنگام رفتن ملوکات بجای موقوف داشته اند و یک نفر از
مباشرین بقاعده قدیم از مقصرین جرید خبرنی گرفته بودند بعضی اطلاع آنها را خواسته شجوا را گرفته
بصاحبش نمودند و قدغن کردند که بعد از این احدی را جرید نکنند و در تشویق ارباب صیاع از
اطهار القات دادن خلعت همچو کوماهی ندارند و از آنچه در صیاع ترقی کلی پیدا شده است

و سوال باقی که مدتی بود در نزد موقوف شده بود این اوقات از نهایت تشویق معتمدی الیه بقدر
 شصت کارخانه شال بافی راه افتاده است شال بافندگان نموده اند که ان شال بافی را در اقل
 مثل شال کرمان بشود (و نیز نوشته اند اموالی که سابقاً از تجار یزدی در تبریز برده
 بودند این اوقات شاهزاده حاکم السلطنه حکمران فارس پیشتر آنها را استرداد نموده اند و نیز
 آورده بصاحبانش رسیده است) (و نیز از قراریکه نوشته بودند بنای محوسی در خانه یهود
 بنائی مسیکرده است روزی بخرابی دیوار کهنه مشغول بوده و کوزه ریالی سپان نموده است بخواب
 خود کوزه را از یهود صاحب خانه پوشیده میدارد و در گوشه پنهان مینماید تا یهودی میفهمد و کوزه را
 چنانکه محوس نداند بر میدارد و محوس چون بر سر کوزه میرود اثری نمی بیند از یهودی بویا میشود و
 حاشا مینماید ناچار خدمت صاحب دیوان قه مراتب اعراض مینماید ایشان یهودی را احضار
 نموده تحقیق مینماید چرا که در چاره ندید کوزه را حاضر میسازد قدری از سرش خالی بوده است
 ولی معلوم میشود که زیاده بر آن نبوده است چندانکه در آن نگاه داشته بعد از تحقیق تمام مرتخص مینماید
 و نیز نوشته اند که این اوقات از شیراز و غیره زوار بسیار بمشهد مقدس عبور و مرور مینمایند و از
 معا برمی که همیشه محل دزد و مخوف بوده سلامت و اطمینان میکند زنده و زیاده از صد و عا کوی دوام دو
 ابدت مپاشند) (و نوشته اند که اسب خرابقدر شصت معمار در اسب از مشهد مقدس
 خریدند عازم یزد بودند اما چون رباط خزانق و رباط خلف بادم شنبی چند را اس کور و حشی بمیان اسبان
 ایشان می آید اسبها میرند و صاحبانش بخمال آنکه بلوچ آمده فساد مینمایند و پیاده خود را بخزانق
 میرسانند قنبر علی پیک آدم صاحب دیوان که در آنجا بوده سی نفر تفنگچی برداشته بصحرای سیرود اسبان
 در میان پابان متفرق یافتند کمره است مگر سه رأس که پیدائشده اسبها را بصاحبانش میرسانند
 و روز دیگر آدمی از فتحعلی پیک که در رباط خلف بادم است آمد آن سه اسب را هم آورده بود و چون
 اسبها تسلیم صاحبانش شده با کمال خوشحالی روانه شدند) (و نوشته اند که احمد نند در راه کهنه محمول
 و فریاد جمعی آفت و وافر از زانست و مردم استوده خاطر مشغول و عا کونی و شکرگزاری میباشند)

اجبار دول خارج

از حوادث دولت آشریه نوشته اند که بنسبت احوال حربیه که بعضی مصارف فوق العایه برای دولت
 دست داده و خواهد داد و از طرفت مقدار کافی وجه اعانه حربیه دادن و گرفتن مراد گشته است
 و بعد از اعلان و جنبار این کیفیت خیلی وجه جمع شده هر کس بقدر قوه خود اعانه در مصارف حربیه

۲۹۲۱